

فرهنگ معاصر

پویا

انگلیسی - فارسی

یک جلدی

محمد رضا باطنی

دستیاران
فاطمه محمدی، سپیده رضوی
روزبه افتخاری

دستیار ارشد
زهره احمدی نیا

تدوین

واحد پژوهش فرهنگ معاصر



فرهنگ معاصر

فهرستویسی پیش از انتشار

سرشناسه: باطنی، محمدرضا. ۱۳۱۳ -

عنوان و نام پدیدآور: فرهنگ معاصر پویا انگلیسی - فارسی تک جلدی / محمدرضا

باطنی: دستیار ارشد زهره احمدی نیا. دستیاران فاطمه

محمدی: سپیده رضوی، روزبه افتخاری: تدوین واحد

پژوهش فرهنگ معاصر.

مشخصات نشر: تهران: فرهنگ معاصر. ۱۳۸۷.

مشخصات ظاهری: ۲۱۳ ص.

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

Farhang Moaser Pooya

یادداشت: ص.ع. به انگلیسی:

English-Persian Dictionary

یادداشت: کتاب در سال های مختلف نیز منتشر شده است.

موضوع: زبان انگلیسی - واژه نامه ها - فارسی

شناسه افزوده: پورعلی محمدی. فاطمه

شناسه افزوده: رضوی، سپیده. ۱۳۴۳ -

شناسه افزوده: افتخاری. روزبه

رده بندی کنگره: الف ۱۳۸۷ ۲۶۵۴ ب ۲ ف / ۱۶۴۵ PE

رده بندی دیویی: ۴۲۳

شماره کتابشناسی ملی: ۱۲۹۲۴۴۳



فرهنگ معاصر

شماره ۱۵۲، خیابان دانشگاه، تهران ۱۳۱۴۷۴۴۶۷

فکس: ۶۶۲۷۰۱۵

تلفن: ۶۶۹۵۲۶۳۲

E-mail: info@farhangmoaser.com

Website: www.farhangmoaser.com

فرهنگ معاصر پویا انگلیسی - فارسی

یک جلدی

محمدرضا باطنی

و دستیاران

تدوین واحد پژوهش فرهنگ معاصر

حروف نگاری، طراحی و چاپ:

واحد کامپیوتر و چاپ فرهنگ معاصر

چاپ دوم: ۱۳۹۰

کلیه حقوق این اثر متعلق به «مؤسسه فرهنگ معاصر» است و هر نوع استفاده
بازرگانی از این فرهنگ اعم از زیراکس، بازنویسی، ضبط کامپیوتری و یا تکثیر
به هر صورت دیگر، کلاً و جزئاً، ممنوع و قابل تعقیب قانونی است.

فرهنگ انگلیسی - فارسی
پویا

محمد رضا باطنی

دستیاران
فاطمه محمدی
سپیده رضوی
روزبه افتخاری

دستیار ارشد
زهرا احمدی نیا

حروف نگار و صفحه آرا
معصومه شهنازی

نمونه خوان و کمک دستیار
نقیسه صبوری پور

راهنمای استفاده از فرهنگ

توجه به نکات زیر مراجعه به این فرهنگ را آسان‌تر و سودمندتر خواهد کرد.

۱. یافتن واژه مورد نظر

مدخل‌های این فرهنگ براساس نظم الفبایی محض تنظیم شده است و هیچ‌گونه ملاحظه دیگری این نظم را مختل نکرده است. مثلاً با آن‌که **easily** قیدی است که از صفت **easy** مشتق شده است، به اقتضای صورت الفبایی آن قبل از **easy** ضبط شده است.

□ بعضی از واژه‌ها که صورت جمع آن‌ها معنای متفاوتی دارد، صورت جمع و مفرد آن‌ها جداگانه ضبط شده است، مانند: **air** و **airs**. در مواردی که تمایز معنایی چندان چشمگیر نبوده، در زیر مدخل مفرد، به معنای جمع آن نیز اشاره شده است.

۲. تلفظ

در این فرهنگ برای نشان دادن تلفظ واژه‌های انگلیسی شیوه تازه‌ای به کار گرفته شده است که می‌توان آن را تلفظ بریتانیایی سازگار شده برای فارسی‌زبانان نامید. در این شیوه آوانگاری، از حروف آشنای لاتین استفاده شده است و برای مصوت‌هایی که نزدیک به هم هستند و تشخیص تمایز آن‌ها برای فارسی‌زبانان دشوار و چه‌بسا غیرممکن است یک علامت به کار برده شده است. این «ساده‌سازی» به ندرت باعث هم‌آوا شدن کلماتی می‌شود که معانی متفاوت دارند: به

۱. به آسانی، به راحتی، **easily** /'i:zili/ *adv*
 خیلی راحت، به سادگی ۲. بی‌شک، یقیناً ۳. ممکن ۴. احتمالاً ۵. زود
 ۱. آسان، ساده ۲. راحت **easy** /'i:zi/ *adj*
 ۳. آسوده، بی‌دغدغه، بی‌دردسر ۴. بی‌تکلف، بی‌پیرایه
 ۵. [خلق و خو] ملایم، آرام

۱. مهربانی، **amiability** /cymiye'biliti/ *n*
 خوش‌رویی، خوش‌خلقی ۲. [به صورت جمع] تعارفات
 دوستانه

۱. ترک کردن، **abandon** ²/e'banden/ *vr*
 رها کردن ۲. متوقف کردن، دست کشیدن از، ول کردن

۱. حذف کردن، **eliminate** /'ilimineyt/ *vr*
 کنار گذاشتن، از دور خارج کردن ۲. برطرف کردن، رفع کردن ۳. ریشه‌کن کردن، از بین بردن ۴. دفع کردن ۵. سر به نیست کردن، کشتن

reductionism /rɪ'dʌkʃənɪzəm/ *n*تقلیل‌گرایی،
فروگاهی

بیان فنی‌تر، در موارد نادری تقابلی‌های واجی را خنثی می‌سازد. در این شیوه آوانگاری، ملاحظات عملی و سودمندی برای مراجعه‌کننده بر پاره‌ای از ملاحظات ظریف آکادمیک اولویت یافته است. راهنمای کامل تلفظ در داخل جلد داده شده است.

۳. محل تکیه

suspect¹ /sə'spekt/ *vt*

۱. حدس زدن، گمان کردن
۲. تردید کردن در، شک کردن به
مشکوک شدن به

suspect² /'sʌspekt/ *n. adj*

۱. فرد مظنون
۲. مشکوک ۳. غیرقابل اعتماد

محل تکیه با خط کوچکی که قبل از هجای تکیه‌دار گذارده شده مشخص شده است. لازم به ذکر است که در زبان انگلیسی نقش تکیه در مفهوم ساختن گفتار، گاهی از تلفظ خود صداها مهم‌تر است.

۴. مقوله‌های دستوری

fifty-fifty /fɪfti 'fɪfti/ *adj. adv*

۱. پنجاه پنجاه،
نصف (و) نصف ۲. پنجاه درصد

مقوله‌های دستوری که به دنبال مدخل می‌آیند عمدتاً ناظر به زبان انگلیسی هستند، یعنی نشان می‌دهند که این واژه در زبان انگلیسی به چه مقوله دستوری تعلق دارد. این بدان معنا نیست که این مقوله‌ها در زبان فارسی نیز الزاماً همان گونه‌اند. مثلاً واژه‌ای که در زبان انگلیسی فعل متعدی (*vt*) است ممکن است برابر آن در فارسی فعل لازم (*vi*) باشد و یا برعکس. برای نمونه، در جمله *He had to fly the country* به صورت متعدی به کار رفته است، ولی در فارسی الزاماً باید به صورت لازم ترجمه شود: «او مجبور شد از مملکت فرار کند». یا مرز بین اسم، صفت و قید در زبان فارسی، برخلاف آنچه معمولاً در انگلیسی مشاهده می‌شود، کاملاً مشخص نیست. مثلاً کلمه «خوب» در جمله «خوب‌ها را از بقیه جدا کن.» به صورت اسم به کار رفته است، ولی در جمله «میوه خوب خریده‌ام.» به صورت صفت و در جمله «او خوب حرف می‌زند.» به صورت قید. به همین

melt /melt/ *vt, vi*

۱. آب کردن، ذوب کردن
۲. آب شدن، ذوب شدن ۳. حل شدن ۴. حل کردن ۵. از بین رفتن، ناپدید شدن، محو شدن

whatever /wə'teɪvə/ *adj, pron, adv*

۱. هر، هر نوع ۲. هر چه که، هر آنچه که ۳. هر کاری که ۴. هیچ رقم، هیچ گونه، هیچ ۵. چه، چه چیز

دلیل سعی شده است تا مقوله های دستوری زبان انگلیسی به طور تصنعی بر برابرهای فارسی آنها تحمیل نشود. به بیان دیگر، یک معادل فارسی ممکن است در مقابل دو یا سه مقوله زبان انگلیسی قرار گیرد. نگاه کنید به کاربرد □

۵. زیرمدخل ها

زیرمدخل های این فرهنگ شامل اصطلاحات (idioms) و فعل های گروهی (phrasal verbs) است که صرفاً براساس ترتیب الفبایی ضبط شده اند.

□ حروف تعریف the و an، a در ترتیب الفبایی به حساب آمده اند، اما قسمت های تصریف پذیر زیرمدخل ها مانند one's, sth, sb و oneself در ترتیب الفبایی لحاظ نشده اند.

arrival /ə'raɪvəl/ *n* ۱. رسیدن، آمدن، ورود...

a new arrival نوزاد، نورسیده

new arrivals ۱. [شخص] تازه واردان

۲. [مغازه] اجناس تازه رسیده، اجناس جدید

account¹ /ə'kaʊnt/ *n* ۱. حساب

۲. حساب (نسیه)...

on sb's account به خاطر کسی. برای کسی

on account of sth به علت چیزی، به خاطر چیزی

accident /'æksɪdənt/ *n* ۱. تصادف ۲. سانحه،

حادثه، بیکامد ۳. اتفاق ۴. [فلسفه] غرض

by **accident** or by design برحسب تصادف یا از روی/یا نقشه قبلی

timely /'taɪmli/ *adj* بموقع

a **timely** reminder هشدار بموقع، هشدار بجا

□ اگر در اصطلاح، اسم آمده باشد حتی الامکان این اصطلاح زیر مدخل آن اسم ضبط شده است. در صورتی که در اصطلاح دو اسم به کار رفته باشد، اصطلاح معمولاً زیر مدخل اسم اول آمده است.

□ اصطلاحاتی که بار معنایی آن ها از صفت، قید یا حرف اضافه نشئت می گیرد زیر مدخل همان صفت، قید یا حرف اضافه ضبط شده اند.

□ فعل های گروهی زیر مدخل فعل ضبط شده اند.

□ اصطلاحات فعلی ای که همیشه به صورت مجهول به کار می روند معمولاً زیر صفت مفعولی آن فعل ضبط شده اند.

□ بعضی از ترکیبات که کاربرد زیادی دارند به صورت مدخل جداگانه ضبط شده اند.

lost¹ /lɒst/ *adj* ۱. گم شده ۲. تپاه شده...

be lost in sth غرق چیزی بودن/ شدن

trial and error /traɪəl ən 'erɜ:/ *n* آزمایش و

خطا، آزمون و خطا

attribute¹ /ə'tribyoot / v

attribute to ۱. نسبت دادن به ۲. ناشی دانستن از.
مربوط دانستن به، نتیجه (چیزی) بودن / دانستن

□ اگر مدخلی فقط به صورت اصطلاح یا فعل گروهی به کار می‌رود، پس از ضبط مدخل، فقط اصطلاح یا فعل گروهی خاص آن آورده شده است.

۶. مثال‌ها

it's bad manners to این برادبی است که.
این بی‌تریبی است که

It's bad manners to point at people.

این بی‌تریبی است که مردم را با انگشت نشان بدهیم.

در همه مثال‌ها، واژه با اصطلاح مورد نظر با حروف سیاه مشخص شده است.

-taker² /-teyker / suffix (در ترکیب) ۱. -گیر،
-گیرنده ۲. -کن، -کننده

a decision-taker تصمیم‌گیرنده
a risk-taker ریسک‌کننده

□ برای برخی از برابری‌های یک مدخل، مثال ذکر شده است. این مثال بعد از همه برابری‌ها می‌آید.
در صورتی که بیش از یک مثال وجود داشته باشد ترتیب مثال‌ها به ترتیب ارائه برابری‌ها می‌باشد.

۷. کاربرد ()

acid test /asid test/ n (سنگ) محک
Security Council /sikyuriti kaonsil/ n شورای امنیت (سازمان ملل متحد)

tambourine /tambo'riin/ n تانبره (دایره) زنگی

abet /e'bet/ v شریک جرم (کسی) شدن.
همدستی کردن با

leap /liip/ v, n ۱. پریدن، جستن، جهش کردن
۲. از روی (چیزی) پریدن ۳. پرش، جهش

□ اگر پرانتز پیش از یک برابر فارسی یا پس از آن بیاید، یعنی می‌توان آن برابر فارسی را با مطلب داخل پرانتز خواند یا بدون آن.

□ گاهی پرانتز برای نشان دادن دو نوع شیوه نگارش فارسی به کار رفته است. در این کاربرد پرانتز بلافاصله به دنبال واژه مذکور می‌آید.

□ وقتی داخل پرانتز کسی یا چیزی نوشته شده باشد، پرانتز نشان می‌دهد که مفعول فعل، شخص است یا شیء، و نیز این که کسی یا چیزی می‌تواند برحسب مورد تغییر کند.

۸. کاربرد (= ...)

A, a /ey/ n ای (= اولین حرف الفبای انگلیسی)
absolute majority /absoloot majjārīti/ n اکثریت مطلق (= بیش از ۵۰٪)

□ وقتی عبارت داخل پرانتز با علامت مساوی شروع شود، عبارت داخل پرانتز به منزله توضیح است و برای روشن شدن معنای برابر فارسی، به کار رفته است.

□ در مثال‌ها، عبارت داخل پرانتز ترجمه دیگری از همان مثال است.
 -tipped² /-tipt/suffix (در ترکیب با سر، با نوک، سر، نوک-
 عصای سرطلا
 a gold-tipped crook
 (= عصا با سر طلایی)

team spirit /tiim 'spirit/ n روحیه جمعی
 (= روحیه فردی)

abate /e'beyt/ vi, vt ۱. فروکش کردن، کاهش یافتن □ ۲. فرونشاندن، کاستن ۳. خاتمه دادن به، برطرف کردن
 teasing /'ti:zɪŋ/ n, adj ۱. شوخی، مسخرگی ۲. مردم‌آزاری □ ۳. شوخی‌آمیز

depression¹ /di'presʃən/ n ۱. [روانشناسی] افسردگی ۲. فشار ۳. گودی، پایین افتادگی، افت ۴. چاله، گودال ۵. فروفتگی، حفره ۶. رکود اقتصادی، کساد ۷. [مواشناسی] فروبار ۸. [اخترشناسی] انقباض

۱. روزنامه قطع کوچک
 tabloid /'tæbloɪd/ n, adj ۲. [روزنامه] قطع کوچک ۳. [مطبوعات] جنجالی

۹. کاربرد (به ...)
 این علامت به معنای «در مقابل» است.

۱۰. کاربرد □
 این علامت در جلوی بعضی از شماره‌ها قرار گرفته است و نشان می‌دهد که از آنجا وارد مقوله دستوری جدیدی می‌شویم. نشانه □ در مثال اول بیانگر این است که از مقوله فعل لازم به مقوله فعل متعدی وارد می‌شویم و در مثال دوم بیانگر این است که از مقوله اسم خارج و از شماره ۳ وارد مقوله صفت می‌شویم.

۱۱. کاربرد []
 قلاب در یکی از موارد زیر قبل از برابره‌های فارسی قرار می‌گیرد:

□ برای نشان دادن زمینه علمی؛ بدین معنی که این اصطلاح منحصرأ یا عمدتاً در زمینه علمی ذکر شده به کار می‌رود.

لازم به یادآوری است که برای سهولت دستیابی، در فرهنگ‌نگاری جدید به جای استفاده از علائم اختصاری، نام زمینه‌های علمی به‌طور کامل ذکر می‌شود، و ما هم با اعتقاد به درستی این روش از آن پیروی کرده‌ایم.

□ برای محدود کردن حوزه معنایی در مواقعی که برابر فارسی گستره معنایی وسیع‌تری دارد.

□ گاهی داخل قلاب، نوشته شده (مربوط به) و به دنبال آن اسمی آمده است. این بدان معنا است که در برابر واژه انگلیسی که صفت است در فارسی

hostile /'hāstāyl/ *adj*

۱. خصمانه

۲. [مربوط به] دشمن؛ ۳. متخاصم؛ ۴. مخالف، برضد

اسم به کار برده می‌شود و معنای صفت از آن گرفته می‌شود. اصطلاح **hostile aircraft** را می‌توان در فارسی «هواپیمای دشمن» ترجمه کرد، که در این صورت در برابر **hostile** که در انگلیسی صفت است، «دشمن» به کار رفته که در فارسی اسم است.

drop / dump sth in sb's lap

[مستولیت، مشکل و غیره] به گردن کسی انداختن

گاهی برای نشان دادن مفعول یک عبارت از قلاب استفاده شده است.

set / start a trend

باب شدن، رایج شدن، مُد شدن

be on trial

مورد آزمایش قرار گرفتن/بودن.

در معرض امتحان بودن

۱۲. کاربرد /

این علامت به معنای «یا» است و برای اجتناب از تکرار به کار می‌رود.

accident /'aksident/ *n*

۱. تصادف؛ ۲. سانحه.

حادثه، پیشامد؛ ۳. اتفاق؛ ۴. [فلسفه] عَرَض

۱۳. شماره‌گذاری برابرها

برابرهایی که یک شماره دارند و با ویرگول از هم جدا شده‌اند تقریباً هم‌معنا هستند و معمولاً می‌توانند به جای هم به کار روند، ولی برابرهایی که شماره‌های متفاوت دارند، به‌رغم پیوند معنایی‌ای که اغلب بین آن‌ها وجود دارد، یا نمی‌توانند به جای هم به کار روند یا به ندرت جانشین یکدیگر می‌شوند. در شماره‌گذاری برابرها، تا آنجا که ممکن بوده، شمول معنایی رعایت شده است، یعنی برابرهایی عام‌تر زودتر از برابرهایی خاص‌تر داده شده‌اند. لازم به ذکر است که فرهنگ‌های یک‌زبانه انگلیسی در این مورد هماهنگی کامل ندارند.

place¹ /pleys/ *n*

۱. جا، مکان، محل؛ ۲. مقام.

شأن، جایگاه؛ ۳. خانه؛ ۴. کار، شغل؛ ۵. مرحله، وهله

۶. [کسر اعشاری] رقم؛ ۷. [بزر غذا] سرویس

۱۴. شماره‌گذاری مدخل‌ها

مدخل‌هایی که املای یکسان دارند به یکی از دلایل زیر با شماره از یکدیگر جدا شده‌اند:

□ وقتی که یک صورت نوشتاری، نمایندهٔ بیش از یک معنا بوده است.

yen¹ /yen/ *n*

پن (= واحد پول ژاپن)

yen², the /yen/ *n*

پن، ارزش برابری پن

yen³ /yen/ *n*

اشتیاق، میل، آرزو

۱. لهجه ۲. تکیه ۳. تأکید **accent**¹ /'aksent/ //
۴. [به صورت جمع] لحن
۱. با تکیه ادا کردن **accent**² /'ak'sent/ //
۲. تکیه گذاشتن روی ۳. [موسیقی] تشدید کردن، برجسته کردن

□ وقتی که واژه انگلیسی در مقوله‌های دستوری متفاوت به کار رفته و در هر کاربرد نیز برابریهای متعدد فارسی داشته است.

۱. کی، چه کسی ۲. کیا (کی‌ها)، **who**¹ /hoo/ prəm
- چه کسانی ۳. که، که او، که آن‌ها ۴. که او را، که آن‌ها را ۵. چه کسی، به چه کسی، چه کسی را
- WHO**², the /dābelyoo cych 'o/ = the world
- سازمان بهداشت جهانی، **Health Organization**
- دبلیو. ایچ. ا.

□ وقتی که مدخلی، هم دارای یک معنی خاص است و با حرف یا حروف بزرگ نوشته می‌شود و هم دارای یک معنی عام است و با حروف کوچک نوشته می‌شود.

۱۵. کاربرد خط پیوند یا تیره کوتاه

□ خط پیوند قبل یا بعد از برابر فارسی بیانگر این است که آن واژه در ترکیب به کار می‌رود و پیش یا پس از آن، کلمه دیگری می‌آید.

□ خط پیوند قبل یا بعد از مدخل انگلیسی بیانگر این است که آن واژه در ترکیب به کار می‌رود و پیش یا پس از آن، کلمه دیگری می‌آید.

۱. [در ترکیب] **aged**¹ /cyjd/ adj ۲. کهنه ۳. رسیده، جاافتاده
۱. رف ۲. قفسه ۳. جاکلاهی، **rack** /rak/ //
۴. [در ترکیب] **جاکلاهی** ۵. ...
- [در ترکیب] بعد از، **post**⁴ /post-/ prefix پساً،
- پُست -
- [در ترکیب] ۱. -هراسی **-phobia**² /-fobyā/ // ۲. -ستیزی

- nationalization** /nashnālāy'zcysheh/ //
- ملی کردن، ملی سازی

۱. کلی بافی، **prevarication** /privari'keyshen/ //
۲. لفاظی ۳. طفره رفتن، طفره روی

۱۶. کاربرد مصدر به جای اسم

در زبان فارسی بسیاری از فعل‌ها اسم ندارند و مصدر آن‌ها به جای اسمشان به کار برده می‌شود. مثلاً برابر فارسی فعل **nationalize** و اسم **nationalization** هر دو «ملی کردن» است، با این تفاوت که در جایگاه فعل، «ملی کردن» صرف می‌شود (چنان که می‌توان گفت: «ایران صنعت نفت خود را ملی کرد».) ولی در جایگاه اسم، «ملی کردن» صرف نمی‌شود و به صورت اسم به کار می‌رود (چنان که می‌گوییم: «ملی کردن صنعت نفت»). اشکالی که از این بابت ایجاد می‌شود این است که وقتی مراجعه‌کننده می‌بیند که جلوی **nationalize** و **nationalization** هر دو «ملی کردن»

prolongation /prolân/geyshen/ *n*

۱. طولانی‌تر کردن، تطویل ۲. تمدید ۳. امتداد

گذاشته شده ممکن است تصور کند اشتباهی رخ داده و تمایز فعل و اسم رعایت نشده است، در حالی که جز این چاره‌ای نبوده است. ما برای رفع این ابهام کوشیده‌ایم آنجا که مصدر حالت اسمی دارد، علاوه بر مصدر، اسمی هم اضافه کنیم، گو این که ممکن است کاربرد آن اسم چندان متداول نباشد.

soak /sok/ *vi, vt, n*

... ۷. خیس،
(عمل) خیس کردن

گاهی نیز جلوی مصدر کلمه عمل داخل پرانتز اضافه شده است که در واقع عمل هیچ نقشی ندارد و در جمله حذف می‌شود.

abandonment /e'bandenment/ *n* ۱. رها کردن،

ترک ۲. ول کردن، دست کشیدن، ناتمام گذاشتن

گاهی نیز که این کار را زائد و تصنعی تشخیص داده‌ایم از آوردن آن خودداری کرده و همان صورت مصدری را ضبط کرده‌ایم. لازم به یادآوری است که کاربرد مصدر در نقش اسم در فارسی پدیده‌ای بسیار متداول است.

۱۷. نکته کاربردی

برخی نکات دستوری و کاربردی مهم زبان انگلیسی تحت عنوان «نکته کاربردی» مطرح شده است. این نکات کاربردی، درون کادرهایی آبی‌رنگ بعد از مدخل آورده شده‌اند. در صورتی که مدخل دارای زیرمدخل باشد، نکته کاربردی پس از زیرمدخل‌ها ارائه شده است.